ریاض همدانی

نیک طلب (یاورهمدانی)، احمد

پیک شمال ای خجسته فال نکو پی‏ در همدانت اگر گذر فتد از ری‏ در بر یاران و دوستان و عزیزان‏ از من بیدل رسان لام پیاپی

در آسمان پرستاره ادب این سرزمین کهنسال.ستاره سوخته‏ای ژرف‏اندیش‏ رخ بر افروخته که گذشت زمان نتواند از خاطر فراموشش دارد.چه از اعاجیب بود و نوادر دوران...در علوم مقنن و معلم و رسالاتش تالی مقالات بدیع الزمان و حمیدی...

از«المآثر و الاثار»نقل است.«میرزا جعفر همدانی مشهور بتخلص ریاض‏ استاد اعظم ادبیات بود و در انشاء رسائل و انواع فضائل مقامات پیموده بر منوال‏ بدیع الزمان و حمید الدین مقالات پرداخته و رضا قلیخان هدایت نوشته است‏ «ریاض نامش میرزا جعفر و در دار الخلافه طهران سالها بتحصیل کمالات ادبیه و قواعد عربیه پرداخت تا در همه مراتب تکمیل یافت سالها در خانه میرزا رضی جراح معروف‏ رحمة اللّه که از دوستان مؤلف و همسایگان مشفق بود منزلگاه داشت و با همه کس‏ راه...طالبان کمال در خدمتش تحصیل علوم ادب و موسیقی و ریاضی کردندی و خود در این علوم معلم...که در اواخر بمرض مزمن شقاقلوس گرفتار آمد و رنجی‏ تمام برد و بحکم تقدیر معالجه نیافت و در سن شباب درگذشت.

چنانه از آثار و اشعار این سراینده سترک پیداست«ریاض روزگار بسختی و نامرادی گذراند و از هنر و بینش خویش بهره‏ای ندید.

هنر رساند گویند مرد را بمراد چون من بدهر هنرمند تا مراد مباد بروزگار من آن نامراد پر هنرم‏ که روزگار مراد من از هنر نگشاد ز بخت کام نجستم بدسترنج هنر دریغ دولت همزاد و بخت مادرزاد بباغ عمر مرا بیخ فضل و شاخ ادب‏ قفای فقر برآورد و سیلی استاد بحیرتم مگرم مام دهر نفرین کرد که در زمانه نیابی بغیر فضل مراد چو بر سپهر هنرهای خویشتن شمرم‏ چو نی بناله زهر بند بر کشم فریاد بداختری که چو من زاد از نژاد هنر سپهر گم کندش در زمانه نام و نژاد

از سیاق سخن ریاض پیداست که از خاندان علم و ادب بوده است.و در ریاضی‏ و هیأت و هندسه و نویسندگی استاد و بفن موسیقی آشنا.دیوان ریاض چنانکه آمده‏ است بالغ بر پنجهزار بیت اعم از قصیده و غزل و مثنوی میباشد که همه استادانه است، وی که خطی نیکو داشته کتاب«گنج شایگان»را بشیوه گلستان سعدی و کتابی که‏ بعربی و بسک بدیع الزمان و حریری نگاشته«ریاض الادب»بوده است و دیگر منشآت‏ وی که بدوستان خود نوشته«اخوانیات»ام گرفته ریاض از بزرگان سخنسرایان‏ سبک کهن است.قصاید با انسجام و استحکامی بسبک ناصر خسرو،انوری و ظهیر فاریابی‏ سروده که الحق از عهده بر آمده است.

ریاض علاوه بر اشعار فارسی،قصاید طولانی فصیحی بزبان تازی سروده است‏ که تسلط کامل او را به ادبیات عرب میرساند و نیز در سایر اقسام شعر ماهر.چنانکه‏ غزلیاتش در نهایت دلنشینی و عذوبت و انسجام و همچنین در مسمط و ترکیب بند مهارت داشته و مسمطاتی دلکش سروده و یکی دو مسمط قاآنی را تضمین نموده است.

آنچه از زندگی و خاطره تلخ او نگاشته‏اند:ریاض با حدت ذهن وجودت‏ قریحه‏اش در علم و ادب روزگاری به پریشانی در تهران بود.زمان صدارت امیرکبیر تهیه شد هیچیک پسند امیر نیفتاد در این هنگام کسی ریاض را معرفی کرد باو مراجعه‏ شد او بخوبی از عهدهء بر آمد.امیر از حال نویسنده پرسید و در خدمت خود نگاهداشت‏ ولیکن سوء اتفاق در همان نزدیکی بساط زندگی امیرکبیر را در نور دیدند و ریاض‏ از الطاف او هم بی‏بهره ماند و بزندگی نخستین برگشت و دیری نپائید که خود اوهم‏ بمرض صعب العلاج مبتلا شد و در جوانی بدرود حیات گفت.